اولیآء اللّه علیهم بهآء اللّه

بسمی الّذی به ارتفع علم الهدایة بین البریّة

سبحان اللّه اظهر امره و انطق الأشیآء علی انّه لا اله الّا هو الحقّ علّام الغیوب یشهد المظلوم بوحدانیّته و فردانیّته لم یزل کان معروفاً بنفسه و مهیمناً بسلطانه و ظاهراً بآیاته لا اله الّا هو الفرد المهیمن القیّوم طوبی لنفس نبذت الأوهام و الظّنون و اخذت ما امر به فی کتاب اللّه ربّ ما کان و ما یکون

یا محمّد انّا سمعنا ندائک اجبناک بلوح لاح من افقه نیّر عنایة اللّه مالک الوجود اذا تنوّرت بنور بیانی و تمسّکت بحبل عطائی قل

الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و آملاً بدائع فضلک و راجیاً ما قدّرته لأصفیائک اسألک بسلطانک الّذی احاط الوجود بنور امرک الّذی احاط الغیب و الشّهود ان تجعلنی ناطقاً بثنائک و راسخاً فی حبّک و ثابتاً علی امرک و خدمتک انّک انت المقتدر العزیز الودود ای ربّ لا تمنعنی عن امواج بحر عطائک و لا عن تجلّیات نیّر ظهورک انّک انت المقتدر علی ما تشآء بقولک کن فیکون

البهآء من لدنّا علیک و علی من نسبهم اللّه الیک ذکّرهم بآیاتی و بشّرهم بعنایتی و نوّرهم بنور فضلی الّذی احاط ما کان و ما یکون

یا موسی هذا یوم فیه فاز الکلیم بأنوار القدیم و شرب رحیق الوصال من کأس عنایة اللّه ربّ العالمین قد فتح باب الفضل و نصبت رایة العدل بما اتی الوهّاب راکباً علی السّحاب بسلطان مبین کذلک ارتفع صریر قلمی الأعلی فی ذکر من اقبل الی اللّه العزیز الحمید البهآء من لدنّا علیک و علی اهلک و من معک فی هذا النّبإ العظیم

یا سیّد یا اباالقاسم اشکر اللّه بما اقبل الیک القلم امراً من لدن اسمی الأعظم و اراد ان یذکرک بذکر یکون باقیاً ببقآء ملکوتی و جبروتی انّ ربّک هو المقتدر القدیر قل

لک الحمد یا اله الأسمآء و لک الشّکر یا مولی الوری بما هدیتنی الی صراطک و انزلت لی ما یقرّبنی الیک انّک انت المقتدر العلیم الحکیم

یا لسان العظمة اذکر من سمّی بزین‌العابدین لیقرّبه البیان الی اللّه الفرد الخبیر هذا یوم فیه نزلت الأمطار و جرت الأنهار و اثمرّت الأشجار و ناد الأخیار الملک و الملکوت و العزّة و الجبروت للّه مالک یوم الدّین طوبی لنفس قام علی خدمة امری و نطق بثنائی الجمیل خذ کتابی بقوّتی و تمسّک بما فیه من اوامر ربّک الآمر الحکیم

یا محمّد اعمال و اقوال حزب شیعه عوالم روح و ریحان را تغییر داده مکدّر نموده در اوّل ایّام که باسم سیّد انام متمسّک بودند هر یوم نصری ظاهر و فتحی باهر و چون از مولای حقیقی و نور الهی و توحید معنوی گذشته و بمظاهر کلمهٔ او تمسّک جستند قدرت بضعف و عزّت بذلّت و جرئت بخوف تبدیل شد تا آنکه امر بمقامی رسید که مشاهده نموده و مینمایند از برای نقطهٔ توحید شریکهای متعدّده ترتیب دادند و عمل نمودند آنچه را که در یوم قیام حائل شد مابین آن حزب و عرفان حقّ جلّ جلاله امید آنکه از بعد خود را از اوهام و ظنون حفظ نمایند و بتوحید حقیقی فائز شوند هیکل ظهور قائم مقام حقّ بوده و هست اوست مطلع اسماء حسنی و مشرق صفات علیا اگر از برای او شبهی و مثلی باشد کیف یثبت تقدیس ذاته تعالی عن الشّبه و تنزیه کینونته عن المثل فکّر فیما انزلناه بالحقّ و کن من العارفین

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ آوریل ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر